سید مجتبی حورایی، مشاور و کارشناس تربیتی:

گیر ندهید! دوره نوجوانی زمان کل کل کردن با فرزند نیست

سیدمجتبی حورایی، مشاور و کارشناس تربیتی و مدرس توسعه فردی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «نوجوان شما مثل فصل‌های سال هر روز یک روحیه دارد. کل کل نکنید و به او گیر ندهید، تا دیده بگیرید و خود را به تغافل بزنید. هر قدر رفتارهای تند والدین، نوجوان را از خانواده دور تر می کند در مقابل فضای امن، باعث گفت‌وگو و تعامل و نزدیکی می‌شود.» مشروح گفته‌های این کارشناس در ادامه می‌آید.

■■■

نوجوانی چیست و چه ویژگی‌هایی دارد که باید با آن آشنا شویم؟

نوجوانی یک مرحله گذار از کودکی به سمت جوانی بوده که بسیار قابل اهمیت است. در این مرحله گذار با بحرانی به نام بلوغ مواجه هستیم که دلایلی چون ترشح هورمون‌ها، تغییر وضعیت ظاهری بدنی مثل تغییر صدا، رویش موی زائد و جوش‌های هورمونی باعث سردرگمی نوجوان می‌شود. شکل جدید باعث می‌شود خوشایند نوجوان نباشد و در این شرایط به دلیل سردرگمی، پرسشانی هم به وجود می‌آید. مثل کسی که وارد یک کشور غریبه می‌شود که نه با جغرافیا آشنایی و نه به زبان تسلط دارد و همین باعث می‌شود پرسشانی‌اش دوچندان شود. به این مثال دقت کنید که معمدای بازری از تأثیر صمیمیت در دوران نوجوانی است. بر فرض یک فرد غریبه وقتی در جایی آشنا نیست که هم‌صحبت و هم‌زبان باشد، او را در آغوش می‌کشد و خوشحالی و انرژی مثبت را از یکدیگر حس می‌کنند. گویی یک نفر پیدا شده که بیش از همه یکدیگر را درک خواهند کرد. در واقع آنچه بیشتر اهمیت دارد پذیرش نوجوان است، یعنی پدر و مادر درک کنند و اینگونه نشان دهند که هیچ اتفاقی نیفتاده است و روند عادی برای زندگی خود و او قائل شوند. نوجوان خود را بپذیرند به او احترام بگذارند. دوره نوجوانی دوره کل کل کردن با آنهاست. نوجوانی مثل چهار فصل است و هر روز که از خواب بیدار شوند گویی در یک فصل جدید از سال هستند و هحال حال و هوا و روحیه را دارند. یک روز خوشحال و یک روز ناراحت. یک روز گرم و پرحرارت و پرانرژی و روز دیگر سرد و بی‌روح و کم‌انرژی. یعنی احوالات او به دلیل شرایط نوجوانی تغییر می‌کند. در نتیجه هر چیزی برای او خوب بیاید طبیعی در نظر گرفته شود. والدینی که خوب نوجوان خود را درک نکنند و سرزنش‌های مکرر داشته باشند، باعث می‌شوند تا نوجوانشان از آنها دور شود و احساس عدم شناخت و درک از سوی خانواده داشته باشد. درک شرایط بی‌قراری و ناسازگاری نیازمند احترام و محبت و به اصطلاح امروزی گیر ندادن به اوست.

برخی خانواده‌ها اصلا نمی‌دانند چگونه به نوجوان خود نزدیک شوند. والدین چگونه می‌توانند ارتباط توأم با اعتماد در کنار نوجوان خود داشته باشند تا زمینه را از همه مهم‌تر آیا لازم است در دوران کودکی رفتاری داشته باشند تا ثمره آن را در نوجوانی برداشت کنند؟

اگر در دوران کودکی فرزند خود را در فضای امن عاطفی و روحی نگه داریم در نوجوانی نتیجه آن را برداشت خواهیم کرد، یعنی باید رفیق فرزند خود باشیم. او باید بتواند راحت با والدین خود گفت‌وگو کند. برخورد قهری بی‌فایده است. باید از همان بچگی ترس را از او دور کرد. نباید شرایطی ایجاد کرد که فرزند به دلیل ترس از والدین دوری کند. وقتی می‌گوییم با فرزند خود دوست باشید یعنی رفتار درست مبتنی بر دوری از هر گونه واهمه و ترس. والدین باید بستر گفت‌وگو را برای فرزند خود فراهم کنند. هر قدر کودک و نوجوان در حاله و نزد والدین بیشتر احساس امنیت کند به آنها نزدیک‌تر خواهند شد. ذات آدم‌ها اعتماد است. ما خودمان هم اگر با برخورد قهری مواجه شویم از آن فرد دوری می‌کنیم. فرزند نوجوان اگر به سیگار زده یا والدین خود درمیان بگذارد، بیان جملاتی مثل اینکه «تو غلط کردی» یا «چه کاری کردی؟» نامیمی به دنبال دارد. هر قدر رفتارهای نابهنجار نوجوان را درتر می‌کند در مقابل فضای امن باعث گفت‌وگو و تعامل و نزدیکی می‌شود. نوجوانی فصل گذراست. والدین باید این فصل را تحمل کنند، نادیده بگیرند و گاهی خود را به تغافل بزنند.

والدین معمولا می‌پرسند ما به نوجوان خود چه بگوییم و چه پاسخی باید به آنها داد؟

سؤال غلط است. «گفتن» نه، بلکه «شنیدن» مهم است. والدین باید در گیر «چه بشنویم» باشند نه اینکه «چه بگویند». ارتباط رفاقت گونه یعنی همین «شنیدن». جملاتی مثل اینکه «پسرم تعریف کن» و «دخترم بگو چه خبر؟». بگذاریم فرزندان ما با ما حرف بزنند و ما با علاقه گوش بدهیم. نکته اینجاست حتی شاید حرف او مورد تأیید ما نباشد، دوست نداشته باشیم و نگران هم بشویم اما در قعر حرف بزنند و شنیده شوند به نفع رابطه بین والدین و فرزندان است و به مرور نزدیک و نزدیک‌تر خواهند شد.

یکی از معضلات والدین گروه‌های همسن و سال است، اما در خیلی از جمع‌هایی که پسران و دختران می‌خواهند قرار بگیرند خانواده‌ها دوست ندارند و ممانعت می‌کنند. نحوه تعامل باید چگونه باشد و آیا والدین باید کنترل‌گری داشته باشند؟

کنترل حتما باید وجود داشته باشد و آزادی‌های بی‌قید و شرط مشکل‌ساز است. وقتی ما خودمان با فرزندمان دوست باشیم قدم اول را برداشتیم. با او به کافی شاپ برویم. قدم برنیم و به پارک و سیما برویم. شبیه دوست و رفیقی که از کنار او بودن لذت می‌بریم. امروز والدین به دلایل مختلف برای فرزند خود وقت نمی‌گذارند. والدین اول خود باید با فرزندشان دوست باشند. دائماً از دوستانش او را جدا می‌کنند و هشدار می‌دهند در حالی که از همسن کودکی برای دوستیابی باید فرزند خود را در چرخه انتخاب درست ببینارند. وقتی والدین در اطرافیان، خانواده‌ای را موجه می‌دانند باید روابط خانوادگی خود را گسترش دهند و به انتخاب دوست فرزند خود کمک کنند نه اینکه مستقیم تذکر دهند. کسی که خود در سردرگمی است در سن نوجوانی نیز هم خود را و هم والدین را اذیت می‌کند. ما باید غیرمستقیم با نوجوان خود حرف بزنیم. قبل از چسبندگی صمیمانه فرزند نوجوان به حلقه دوستان غلط به ارتباط گیری درست او کمک کنیم، چرا که بعد از انتخاب، هشدار بی‌فایده است و نوجوان را دور تر می‌کند. ما معتقدیم قبل از ورود به فضای صمیمیت، از طریق دوست شدن با دوستان فرزند خود به ارتباط مفید و مؤثر رفاقت گونه کمک کنیم. هر چیزی قاعده‌ای دارد. دوران نوجوانی هفت سال دم زندگی است و باید به جای اینکه قوانین خانه و خانواده را به فرزندمان اطلاع دهیم، با خود او قوانین خانه و بیرون را خلق کنیم.

یک نکته مهم اینجا به ذهن می‌رسد که آیا نظرات و رفتار دوگانه والدین در سبک تربیتی اثرگذار است؟

نکته بسیار مهمی است. وحدت رویه پدر و مادر همه ماجرای تربیتی است. فرزند ما به یک حوزه تولد می‌خواهد برود اما مادر یک حرف می‌زند و پدر حرف دیگر و مقابل فرزند کشمکش صورت می‌گیرد در نتیجه این باعث می‌شود نوجوان از والدین جدا شود و مادر دور شود. نگاه نوجوان این است که والدینم تفاوتی ندارند و برای آنها اینکه کجا باشم یا نباشم فرقی ندارد و صرفاً دنبال حرف خودشان به یکدیگر هستند. باید رویکرد والدین یکسان باشد یا در صورت تقابل و تفاوت، در مقابل فرزند بروز ندهند.

صحبتی هم درمورد فضای آنلاین و مجازی با هم داشته باشیم. مشکلات زیاد و متنوعی در شرایط فعلی وجود دارد و به دلیل سیستم آموزشی و ضرورت‌های موجود هم استفاده از موبایل اجتناب ناپذیر شده است، بنابراین والدین چگونه باید همراهی کنند؟

استفاده از فضای مجازی زمان و اندازه دارد و اندازه داشتن بسیار قابل اهمیت است. والدین به شدت در گیر فضای مجازی شدند، یعنی معضل اول این است که کنترلی روی خود والدین نیز وجود ندارد و باید برای استفاده از فضای مجازی ابتدا روش درست را به والدین تذکر داد. حتی اگر والدین نیاز ضروری به استفاده از تلفن دارند لااقل مقابل فرزند در کمترین حد ممکن استفاده کنند. افزون بر این والدین باید گرایش بازی فیزیکی را در فرزند خود ایجاد کنند و سرای آن الزام داشته باشند. از کودکی به خصوص پسرها باید ورزش و تحرک فیزیکی داشته باشند تا انرژی خود را تخلیه کنند. هر چقدر بچه‌ها به ورزش فیزیکی گرایش داشته باشند از بازی‌های مجازی بیشتر فاصله می‌گیرند. ما برای خانه مانند بچه‌ها هیچ برنامه و نقشه‌ای نداریم جز فعل‌های منفی. در نتیجه بچه ناخواسته تمایل به بازی مجازی دارد، در حالی که ما باید برعکس عمل کنیم و تمایل و گرایش او را به سمت بازی واقعی و فیزیکی هدایت کنیم.

نوجوانان شیفته کدام قهرمانند؟

غفلت در معرفی قهرمانان واقعی، نوجوانان را به سمت پهلوان‌پنبه‌های مجازی کشانده است

حسین گل‌محمدی

آبان‌ماه ایام خاص نوجوانان ایران است و امروز در میانه دو مناسبت قرار داریم که هر دو به انگیزه گرامیداشت نوجوانان این مرز و بوم، یکی با عنوان روز نوجوان و دیگری با عنوان روز دانش آموز در تقویم ملی ثبت شده است. اولی هشتم آبان سالروز شهادت شهید نوجوان محمدحسین فهمیده و دومی ۱۳ آبان سالروز شهادت دانش آموزانی است که به نشانه اعتراض به حکومت پهلوی در صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در محوطه دانشگاه تهران جمع شده بودند. هر دو مناسبت نشان از جایگاه و نقش قشر نوجوان در مهم‌ترین فرازهای تاریخ ایران اسلامی، یعنی انقلاب و دفاع مقدس دارد. هر دو مناسبت می‌خواهد بگوید نوجوانان نقش بزرگ و تعیین کننده‌ای در سرنوشت جامعه ایران دارند. در هر دو مناسبت نوجوانان جایگاه قهرمانان ملی را دارند و چه ارزشی بالاتر از اینکه نگاه جامعه به این قشر، از سر غرور و قدردانی و افتخار باشد. همه اینها واقعیت‌های محض و بلامنازع تاریخی است. چرا که انقلاب و دفاع مقدس گنجینه‌ای از نوجوانان قهرمان را در دل خود دارد. تا اینجا همه چیز به نظر درست می‌آید، اما باک و ایراد، نقص و انحراف ماجرا، جایی خود را نشان می‌دهد که دچار فترت و سستی، کندی و کم‌کاری در تعلیم و تربیت نوجوانان و دانش آموزان شدیم. آیا توانستیم برای نوجوانانی که ذاتاً و طبعاً و به مقتضای دوره نوجوانی، تشنه و شیفته الگوهای قهرمان هستند، الگوهای تربیتی و قهرمانان بومی و ملی را به‌خوبی معرفی کنیم؟ یا نه. آنان را به حال خود رها کردیم تا در دنیای بی‌در و پیکر فضای مجازی، در جست‌وجوی قهرمانان کاذب و پهلوان پنبه‌هایی باشند که ساخته و پرداخته سناریوهای فرهنگ غرب هستند؟! شوریختانه باید گفت در این زمینه بسیار کوتاهی کردیم و نتیجه ناگزیرش نیز تربیت نسلی است که اگر همچنان بی‌توجهی ببینند، الگوی زندگی‌اش همان پهلوان‌پنبه‌ها خواهد بود! چاره اما چیست؟ بی‌تردید در تمام نخست باید نوجوانان را ببینیم و بشنویم و به او نزدیک شویم. در گام دوم با شناخت درست از ویژگی‌های خاص دوره نوجوانی، نیازها و اولویت‌های آنان را بشناسیم. در گام سوم ظرفیت عظیم تاریخ خودمان را در بازآفرینی و بازخوانی و الگوهای بی‌شمارمان را به زبان امروز و به زبانی که نوجوان امروز بفهمد، در سبد زندگی او بگذاریم. بی‌تردید نوجوان ما، سبک زندگی قهرمان اصیل خود را بر قهرمان کاغذی دیگران ترجیح خواهد داد.

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس حوزه آموزش:

دانش آموزان در دانش مانده و به مهارت نرسیده‌اند

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس حوزه آموزش نقش خانواده و نگاه آنها به آموزش را بسیار مهم می‌داند و معتقد است، خانواده همچنان اقتدار لازم را در مرجعیت عاطفی، فرهنگی و اجتماعی برای فرزندان دارد و می‌تواند مؤثر باشد، به شرط آنکه تحت آموزش و آگاهی‌های درست قرار بگیرد از آنجایی که نگاه سنتی به آموزش هنوز در بین خانواده‌ها دیده می‌شود و از طرف دیگر والدین خودشان تلنگر خورده همان نگاه سنتی هستند، لذا رسانه‌ها و فعالان فرهنگی باید به بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها کمک کنند، تا مهارت آموزی را نیز در کنار آموزش مهم بدانند. متن زیر گفت‌وگوی ما با وی است که می‌خوانید.

■■■

آیا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس به طور مستمر ارزیابی می‌شود؟

ارزیابی‌ها و ساختار آموزشی ایران همچنان سنتی است و همان آزمون‌های کمی است که در سطح دانش آموزی می‌شود. ما چند حیطه آموزشی داریم که پایین‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین آن بحث «دانش» و نمرگرا آن بر محفوظات است. در حالی که مراتب بالاتر از درک و فهم حل مسئله و شکوفایی است. آموزش ایران همچنان در سطح دانش است و سطح‌های بالاتر آن هنوز وارد سیستم آموزشی ایران نشده است. از این رو ارزیابی پیشرفت دانش‌آموزان موکول به آزمون شده است، چند سال می‌دهیم و آنها هم بر اساس آنچه برایشان تعریف و گفته شده است، پاسخ می‌دهند. به همین دلیل پیشرفت واقعی به معنایی که باید ارزیابی در ساختار آموزشی قوی تر انجام شود را نداریم. در حالی که در ساختار آموزشی بسیاری از کشورهای دیگر مانند فنلاند آزمون به این شکل معنایی ندارد.

آیا آزمون‌ها استاندارد هم نیست. قبول دارید؟

بله زیرا دانش‌آموزان با یک ملاک و شاخصه ارزیابی می‌شوند. غافل از اینکه پیش زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها با هم متفاوت است اما دانش‌آموزی که والدین او کم سواد هستند یا دانش‌آموزی که مادرای یادگیری درس ریاضی تنها تولید یکسری سی‌دی‌ها و کتاب‌های کمک آموزشی وارد شده است که به دانش‌آموز معرفی می‌شود. هر چند کتاب‌های آموزشی ما نسبت به ۳۰ سال گذشته تغییر کرده است اما اگر این دسته از فعالیت‌ها هم به هدف همان کنکور باشد فریاد کسب دانش می‌شود، نه مهارت.

نگاه معلمان در این زمینه چگونه است؟

معلمان نیز خود اسیر جو فرهنگی هستند. چرا که آنها هم بخشی از جامعه می‌باشند و خودشان هم به فرزند دانش‌آموزشان فشار می‌آورند و آگاهی‌های لازم را ندارند. از طرفی نمی‌توانند بر خلاف جهت مسیر حرف بزنند. لذا توصیه‌های درس خواندن را به پزشک شدن دانش‌آموزشان وعده می‌دهند و این دامن زدن همان نگاه سنتی قدیمی است که در آنها وجود دارد. بیشتر آنها به فکر آن هستند که دانش‌آموزان‌شان در مدرسه و منطقه تحصیلی نمرات خوبی در آزمون بیاورند تا در کنکور موفق شوند. در اصل اگر تلاش مهارتی انجام دهند، برای موفقیت در کنکور است.

به غیر از کنکور چه عوامل دیگری مانع از انجام آموزش‌های مهارتی است؟

زیرساخت‌ها فراهم نیست. بحث‌های مهارتی باید در ۹ سال اول لحاظ شود تا دانش‌آموزان جامعه‌پذیری را تمرین کنند و بیاموزند، بنابراین در اولین گام لازم است تعداد دانش‌آموزان کم باشد به همین دلیل در یک کلاس با تعداد ۳۲ تا ۴۰ نفر دانش‌آموز، نمی‌توان کارهای مهارتی انجام داد، حتی اگر وظیفه هم شده باشد. این امکان در روستاها بیشتر فراهم است که تعداد دانش‌آموزان کم است و معلم می‌تواند دسته‌ای از فعالیت‌های مهارتی را به راحتی با توجه به فضای در اختیار انجام دهد. نکته بعدی ساختار خود مدرسه است. به عنوان مثال، مدرسه البرز که دارای سالن سخنرانی، ناهارخوری، بازی و زمین‌های چمن متعددی برای فعالیت‌های کند دارد حت موفق‌تر بوده و است ولی مدارس امروزی همچنان هم اینطور نیست. فعالیت‌های اینچنینی در آموزش خیلی هزینه ندارد. فقط احساس وظیفه می‌خواهد و اینکه آموزش‌وپرورش بخواهد و خانواده‌ها هم بیدبرند. این خیلی نکته مهمی است. آن وقت آرام آرام به سمتی می‌رویم که امکانات و فضای مناسب هم فراهم می‌شود. بچه‌ها چندان دنبال امکانات نیستند، فضا می‌خواهند. خاطرات خوش در ذهن‌شان بماند. یاد رمان معروف، توتوچان خاطرات نوشته تتسوکو کوروبانائی افتاده، دانش‌آموزی که در زمان جنگ جهانی دوم، شاگرد مدرسه توموئه بود. خاطرات او از بافچه حیاط مدرسه، درختان، فضای خالی مدرسه و کلبین قطاری که به‌عنوان آزمایشگاه در حیاط مدرسه قرار داشت. این یعنی از کمترین امکانات، به خاطر استفاده بهینه همراه با شادی و لذت می‌توان یک عمر خاطره در ذهن دانش‌آموزان ساخت.

آیا والدین در کسب مهارت‌ها دخالت یا اعتراضی دارند؟

درصد کمی از مدارس غیردولتی هستند که خانواده محورند. در این مدارس تعداد کمی از خانواده‌ها دنبال آموزش‌های مهارتی و بیشتر آنها دنبال همان روش‌های سنتی هستند به همین دلیل اگر فعالیتی انجام می‌شود گاهی با دخالت والدین معلمان آزده می‌شوند. به طور مثال گاهی معلم می‌خواهد به جای تدریس علوم در کلاس، دانش‌آموزان را به آزمایشگاه ببرد، اما والدین گله می‌کنند چرا جای آزمایشگاه تست زنی انجام نمی‌شود! بنده چند سالی معلم فیزیک بودم. روزی پیشنهاد دادم برای کلاس سرابدار نمی‌خواهیم و خودمان کلاس را تمیز می‌کنیم. وقتی والدین متوجه شدند گله کردند، چرا بچه‌های ما را وادار به نظافت کرد به‌دلیل این دخالت‌ها و اعتراض‌ها خود باعث بی‌انگیزگی و سد راه می‌شود، بنابراین پذیرش کسب مهارت‌ها از سوی خانواده‌ها لازم و ضروری است.

والدین چگونه فرزندانشان را فردی با مهارت تربیت کنند؟

بعضی خانواده‌ها فکر می‌کنند، برای موفقیت فرزندانشان باید کنار آموزش در مدرسه، باید کنار آموزش در مدرسه، معلم خصوصی یا کتاب‌های کمک آموزشی بگیرند. این موارد نشان می‌دهد، زندگی خانواده‌ها همچنان به کنکور بسته است. کافی است والدین به شرایطی که دارند فکر کنند و خوب ببینند، تا بفهمند از این صورت تصمیم و راهی که دارند فکر کنند و خوب ببینند شد تا بفهمند از شغل و موفقیتی که دارند راضی هستند؟ البته به اینکه دانشگاه خوب نیست و من مخالف دانشگاه باشم یا نکته صحبت آن است که فرزندانمان در دو سطح علمی و رفتارهای اجتماعی آموزش ببینند و بالا بروند تا زندگی آینده‌شان به درستی شکل بگیرد و جامعه را به خوبی بسازند. بنابراین در اولین قدم لازم است خانواده‌ها در برابر خواسته فرزندانشان آگاه شوند، سپس توانایی فرزندان را بشناسند و تقویت کنند.

کسب مهارت‌ها چقدر می‌تواند در آینده شغلی دانش‌آموزان و شکست غول کنکور مؤثر باشد؟

نسل امروز همه اهل فکر هستند و می‌بینند. آنها در شبکه‌های اجتماعی سیر می‌کنند و یک اندیشه و در واقع یک فضای جهانی را در اختیار دارند. دانش‌آموز امروز، همو کلاسی‌اش را می‌بیند که یک پیچی را ته‌اندخته و در ماه چند میلیون درآمد دارد. همه دین‌ها و شنیدن‌های دنیای امروز باعث شده است تا غول کنکور شکسته شود و مانند سال‌های گذشته خیلی اقتداری نداشته باشد. این نشان می‌دهد، فضای فرهنگی این روزها ظرفیت و پذیرش بالایی دارد تا این مهارت‌ها به دست بیاید و با همین مهارت‌ها زندگی آینده نوجوان‌مان شکل بگیرد.

بعضی خانواده‌ها فکر می‌کنند برای موفقیت فرزندانشان باید کنار آموزش در مدرسه، معلم خصوصی یا کتاب‌های کمک آموزشی بگیرند. این موارد نشان می‌دهد، زندگی خانواده‌ها همچنان به کنکور بسته است. کافی است والدین به شرایطی که دارند فکر کنند و خوب ببینند شد تا بفهمند از این صورت تصمیم و راهی که خودشان دارند راضی هستند؟

حجت‌الاسلام دکتر سیدامیرعباس عبداللهی، جامعه‌شناس و استاد حوزه و دانشگاه:

صدای نوجوانان و نونهالان از مساجد شنیده نمی‌شود

حجت‌الاسلام عبداللهی می‌گوید: «کتاب‌های آموزشی برای بیان اعتقادات و نظریه مقاومت سرفصل مناسبی ندارد. نه تنها سرفصل بلکه استادی که بتواند درباره اعتقادات یا حوزه‌های اخلاقی مانند حجاب و حرمت مقاومت خوب صحبت کند و حرفی برای گفتن داشته باشد هم ندارد! در این صورت دانش‌آموز دچار دوگانگی شخصیتی می‌شود، بنابراین باید گفت، نظام آموزشی ما نظام کنکوری و تست زنی است. معرفت در این نظام هیچ معنایی ندارد، در نتیجه نسل نو دچار خودساختگی می‌شود و نمی‌تواند در قبال تهاجمات دفاع کند.»

در مدارس، درس‌های اخلاقی بیشتر شعاری است

حجت‌الاسلام عبداللهی ادامه می‌دهد: «در کتاب‌های اخلاقی در مدارس را هم حالی می‌بینید و می‌افزاید: «درس اخلاق و اسلام مطرح است اما این آموزش بیشتر شعاری است. به طور مثال در کشورهایی مانند کره‌جنوبی و ژاپن به دانش‌آموزانشان آموزش می‌دهند چطور باید والدین‌شان را بشوند! آنها با این آموزش می‌خواهند بین والدین و فرزندان رابطه عمیق عاطفی ایجاد کنند. حال ما این آموزش را در کدام مدرسه داریم؟! احترام به والدین را مکرر می‌گوییم اما مهارت، نثر و شعوری را که باید در دانش‌آموز ایجاد شود نداریم. دانش‌آموز تنها می‌شود اما در عمل نه می‌بیند و نه انجام می‌دهد!

خانواده‌ها برای تحول در آموزش مطالبه‌گر باشند

عبداللهی با رود به اینکه بعضی والدین برای فرزندان حکم خود پدرار دارند، می‌افزاید: «بعضی فرزندان ارتباط مؤثرشان با والدین، برای پرداخت هزینه‌هاست. اینجا خود والدین مقصرند، چرا که آنها برای هر آموزشی مانند ریاضی و علوم حاضرند هر چقدر شده هزینه کنند اما آموزش قرآن و دین را لازم و ضروری نمی‌بینند. شاید به این دلیل است که خودشان هم در یک سیستم غلط آموزشی رشد کرده‌اند. آنها باید از رشد ناقص خود تجربه بگیرند و برای فرزندانشان دنبال رشدی در همه جهات باشند. آنها باید این تحول را در خود ایجاد و سپس این سیستم آموزش و پرورش مطالبه کنند و در این باره روحیه مطالبه‌گری قوی داشته باشند.»

صدای جوان و نوجوان باید از مساجد شنیده شود

این جامعه‌شناس در آخر با تأکید بر اینکه اگر این شکاف‌ها و مشکلات حل نشود با یک جامعه سکولار روبه‌رو خواهیم شد می‌گوید: «اگر تلاش نکنیم تا صدای نوجوانان و نونهالان را از مساجد بشنویم، با بحران معنویت در خانواده‌ها و جامعه مواجه می‌شویم و در ادامه جامعه‌ای سکولار خواهیم داشت، به ظاهر اسلامی اما در باطن غیر اسلامی. شاهد نسلی خودباخته خواهیم بود که در آینده توان مقابله با هجمه‌ها را نخواهد داشت.»

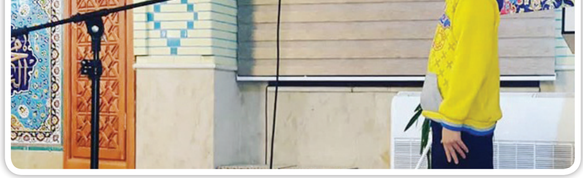

ناترازی بین مدرسه، مسجد و خانواده باعث می‌شود دانش‌آموز دچار بحران معنا شود. چرا که خانواده به دلیل قطع ارتباطش با مسجد نتوانسته نیاز دینی فرزندش را برآورده کند، بنابراین برای انتقال برای انتقال معارف باید نظام آموزشی تحول پیدا کند. این تحول هم تا زمانی که مدارس از معلمان دینی، عربی و قرآن غیر متخصص استفاده می‌کنند، اتفاق نمی‌افتد

دکتر سیدمحسن میرطالبی، روانشناس و کارشناس تعلیم‌وتربیت:

فرزند نوجوان خود را با صمیمیت و امنیت محافظت کنید

دکتر سیدمحسن میرطالبی، روانشناس و کارشناس تعلیم‌وتربیت و استاد دانشگاه سوره تهران، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به ارتباط سه ضلع نوجوان، خانواده و مدرسه معتقد است: دوران نوجوانی با سه ضلع ارتباطی از سوی دانش‌آموز، مدرسه و والدین می‌رفتیم و با ارتباط‌گیری تبادل نظر و اطلاعات داشتیم، این ارتباط بسیار اهمیت دارد. وی بر صمیمیت و ایجاد امنیت در روابط والدین با فرزندان تأکید دارد و آن را عامل مراقبت و حفاظت از نوجوانان در مقابل مشکلات و بحران‌ها می‌داند. به اعتقاد وی، یکی از سنین بسیار مهم در بحث تربیتی سنی مراقبت و نوجوانی و دوران خاص آن است که بین ۱۲ تا ۱۸ سال از راهنمایی تا پایان دبیرستان و ورود به دانشگاه محسوب می‌شود که معمولا هزمان با آغاز بلوغ بوده و تغییرات روحی، شخصیتی و خلقی نوجوان را به دنبال دارد.

■■■

این استاد تعلیم‌وتربیت با تأکید بر اینکه در این دوران تغییرات معناداری برای نوجوان به‌وجود می‌آید، ادامه داد: سنین نوجوانی بسیار مهم بوده و نوجوان، دوران کودکی را پشت سر می‌گذارد در نتیجه ابراز شخصیت کرده و مسائلی را در خود و شخصیتش جست‌وجو می‌کند. میرطالبی عنوان کرد: نوجوان نسبت به مسائلش در گیر چالش‌هایی می‌شود و به لحاظ روحی برهم ریختگی‌هایی را تجربه می‌کند.

وی از واژه «درد گرمی» استفاده و اضافه کرد: این دوران از هر لحاظ مهم است و بخشی از این اهمیت به خانواده و والدین برمی‌گردد. هر قدر والدین نسبت به این دوران اطلاعات و آگاهی داشته باشند، در تعاملات و ارتباطات خود بسیار موفق‌تر عمل خواهند کرد.

تعامل والدین با مدرسه مهم است

این استاد دانشگاه یادآور شد، یکی دیگر از ابعاد اهمیت موضوع، به معلمان، دبیران و کادر آموزشی مدارس برمی‌گردد. نوجوان، دوران کودکی خود را سپری کرده و دیگر زمانی نیست که تابع محض باشد، در نتیجه بسیار راحت ابراز وجود کرده و صحبت می‌کند، ادله می‌آورد، دنبال دلیل می‌گردد و هر حرفی را به راحتی نمی‌پذیرد. با معلم و کادر مدرسه درگیری دارد که جمع اینها به دلیل سر کشی و بی‌ادبی فرزند مانیست بلکه طبیعت دوران نوجوانی است.

به اعتقاد میرطالبی، آشنایی والدین و سیستم آموزشی با روحیات نوجوان بسیار مهم بوده و به سپری‌شدن دورانی با آرامش کمک کرده و موقعیتی ایجاد خواهد کرد تا پدده نوجوان دچار تجربه نشود.

وی اضافه کرد: مدیریت کادر مدرسه در کنار دو ضلع دیگر دانش‌آموز و والدین بسیار مهم است و اگر این مدیریت به درستی پیش رود، دوران نوجوانی بسیار موفقی برای بچه‌ها رقم زده خواهد شد.

این روانشناس اظهار کرد: همانگونه که ما به عنوان والدین، در دوران ابتدایی و کودکی، دانش‌آموز را همراهی کرده و در کنار او به مدرسه می‌رفتیم و با ارتباط‌گیری تبادل نظر و اطلاعات داشتیم، این ارتباط باید در دوران راهنمایی و دبیرستان با دقت بیشتر اتفاق افتد. البته از آنجایی که نوجوان زیر دربین بودن را دوست ندارد در نتیجه حضور مکرر والدین در مدرسه با ارتباط گیری‌های افراطی با مدرسه باعث خواهد شد تا نوجوان احساس ناامنی کند ولی باید این ارتباط به شیوه‌ها و روش‌های مختلف و با ترفندهای ظریف حفظ شود.

دوران نوجوانی دورانی است که نوجوان ابراز وجود می‌کند، اعلام می‌کند که بزرگ شده و خود قادر به مدیریت خودش است. دورانی که می‌تواند به دنبال تجارب خطرناک برود لذا هرقدر بتوانیم رابطه خوب و صمیمانه و رفاقت آمیز بین والدین، نوجوان و مدرسه ایجاد کنیم برای نوجوان سپری امن خواهد شد و از او محافظت خواهد کرد

میرطالبی تأکید کرد: والدین با مراجعه به مدرسه و کادر سیستم آموزشی، باید روند تربیتی را پیش ببرند و مدرسه و معلم هم حساسیت‌ها را درست تلقی کنند به اینکه احساس کنند والدین دائم در امور آموزشی دخالت می‌کنند، بلکه بدانند این ارتباط حکم دخالت ندارد، بلکه تبادل اطلاعات است. وی تصریح کرد: اگر در سیستم آموزشی از سمت خانواده روی این موضوعات حساسیت وجود داشته باشد، مدرسه نیز توجه خود را دقیق‌تر انجام می‌دهد و خود دانش‌آموز هم احساس می‌کند والدین پیگیر هستند.

با فرزند خود رفیق باشید

این روانشناس تربیتی با اشاره به اینکه والدین نباید بچه‌های خود را رها کنند اظهار کرد: والدین باید کنترل‌گری داشته باشند و با پیگیری کردن و زیر ذره‌بین گذاشتن، فرزندشان را از خود دور کنند. نوجوان از زیر ذره‌بین بودن متنفر است در نتیجه ارتباط خوب بین والدین و نوجوان می‌تواند مؤثر باشد.

وی گفت: هم صحبتی درباره مسائل فرزندشان و نظرخواهی در مورد همه چیز و بهادادن به آنها و ارتباط صمیمی داشتن سازنده است.

میرطالبی با برشمردن ویژگی‌های دوران نوجوانی ادامه داد: دوران نوجوانی دورانی است که نوجوان ابراز وجود می‌کند، اعلام می‌کند بزرگ شده و خود قادر به مدیریت خودش است. دورانی که می‌تواند به دنبال تجارب خطرناک برود لذا هرقدر بتوانیم رابطه خوب و صمیمانه و رفاقت آمیز بین والدین، نوجوان و مدرسه ایجاد کنیم برای نوجوان سپری امن خواهد شد و از او محافظت خواهد کرد.

میرطالبی در ادامه گفت: در صورت صمیمیت در خانواده اگر دانش‌آموز احساس کند مشکلی با دوستان دانش‌آموزش دارد به منزل منتقل کرده و خواهان حل آن می‌شود. ارتباط توأم با صمیمیت باید به حدی باشد که دانش‌آموز هر چالش و بحرانی را چه در مدرسه و چه خارج از آن به خانواده انتقال دهد.

این استاد دانشگاه بیان کرد: چنین برخوردی باعث می‌شود، دوران پر چالش و حساس نوجوانی به سلامت سپری شود و بچه‌ها پختگی را تجربه کنند و خاطرات خوبی از نوجوانی خود داشته باشند. همچنین این ارتباط باعث می‌شود، مدرسه نیز نسبت به حساسیت‌ها اولیا حس خوبی داشته باشد و مشکلات دانش‌آموز را به منزل و والدین منتقل کند.

میرطالبی اظهار کرد: در فرهنگ اسلامی تأکیده شده است، نوجوان می‌تواند مشاور والدین خود باشد یعنی پدر و مادر می‌توانند از دیدگاه و نظر به نوجوان خود استفاده کنند که این باعث می‌شود نوجوان حس خوبی داشته باشد، حس اینکه والدین مرا می‌بینند و نظر مرا می‌پرسند، این ارتباطات و تأکیدات باعث خواهد شد رابطه نوجوان با فضای منزل، خانه و مدرسه صمیمی باشد.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: مهم‌ترین مسئله نوجوانی پنهان کاری است، در نتیجه هرقدر رابطه صمیمانه و رفاقتی باشد نوجوان نیز از پنهان کاری به دور خواهدبود و اگر بچه‌ها در این میان دچار مسائلی شده باشند به والدین انتقال می‌دهند. باید بدانیم احساس امنیت در فضای خانواده و مدرسه رشد شخصیتی و هویتی برای نوجوان امروزی به همراه دارد.

نکته دیگر در صحبت‌های میرطالبی معطوف به مدیریت‌مالی در دوران نوجوانی بود که درباره آن توضیح داد: بچه‌ها از اواخر و اواسط دوران راهنمایی و دبیرستان باید مدیریت و سواد مالی را هم آموزش ببینند. همچنین خرجی روزانه یا همان ماهانه داشته باشند تا مسائل مالی را تجربه کنند.

وی افزود: هزینه کردن و پس انداز کردن باعث می‌شود نوجوان مدیریت مالی و سواد آن را یاد بگیرد و با چنین مدیریتی معنای حفظ پول و از دست دادن را می‌فهمد و این شیوه تجربه خوبی را به نوجوان خواهد داد.

این کارشناس خاطرنشان کرد